

پژوهشهای حقوقی

شماره ۲۰

هزار و سیصد و نود - نیمسال دوم

مقالات

- تفاوت اشتباه و جهل نسبت به موضوع قرارداد
- ورشکستگی به تقلب و تقصیر؛ از قانون تجارت تا قانون مجازات اسلامی
- معاونت در جرایم غیر عمدی
- تحلیل تئوری متحدالشکل سازی حقوق قراردادهای تجاری فراملی
- مفهوم و ماهیت قراردادهای آتی
- صلح و حقوق بشر در برنامه درسی با تأکید بر اسناد بین المللی
- موضوع ویژه: حقوق میراث فرهنگی: ظرفیت‌ها و چالش‌ها
- شمشیر کند عدالت در صیانت از میراث فرهنگی
- ساخت، معرفی، حمل، نگهداری و خریداری نمونه تقلبی آثار فرهنگی - تاریخی
- حمایت کپی رایت از آثار معماری
- برخی تحولات راهبردی استرداد اموال فرهنگی در نظام بین المللی معاصر
- تحولات جدید اعاده اموال فرهنگی با نگاهی به بازگرداندن اموال فرهنگی به بومی‌ها
- حمایت از اموال فرهنگی در هنگام مخاصمات مسلحانه
- تکامل مفهوم «کارکردی» اموال فرهنگی در پرتو انسانی‌تر شدن حقوق بین الملل
- آسیب شناسی قوانین حمایت از میراث فرهنگی
- حق بر نام تاریخی خلیج فارس در آیین حقوق بین الملل
- تأملی در حل و فصل اختلافات راجع به اموال فرهنگی





برخی تحولات راهبردی استرداد اموال فرهنگی در نظام بین‌المللی معاصر

هاله حسینی اکبرنژاد*

چکیده: در نظام بین‌المللی معاصر، استرداد اموال فرهنگی و شیوه‌های جایگزین آن در حل و فصل اختلافات بین‌المللی ناشی از نقل و انتقال و یا سرقت اموال فرهنگی، از اهمیت بالایی برخوردار است. در این مقاله به برخی مسائل جدید مرتبط با استرداد اموال فرهنگی و راهکارهای جایگزین آن و معضلات مطرح پرداخته می‌شود. نکته قابل تامل آن است که همگام با توسعه دیگر شاخه‌های حقوق بین‌الملل خصوصاً حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، حقوق ناظر بر اموال فرهنگی و نحوه استرداد این اموال نیز دستخوش تحولاتی گردیده است. از جمله می‌توان به نقش آفرینی مهم برخی نهادها و مؤسسات از جمله موزه‌ها و نیز شناسایی حقوق مردم بومی در این رابطه اشاره نمود. همچنین لحاظ جنبه‌های غیرحقوقی از جمله تعهدات اخلاقی دولت‌ها نیز عامل بسیار تعیین کننده‌ای در حمایت از این اموال قلمداد شده است. **کلیدواژه‌ها:** اموال فرهنگی، استرداد، استرداد مشروط، موزه، شیوه‌های جایگزین، غرامت، امانت، اهداء، همکاری فرهنگی.

مقدمه

شرایط و اوضاع و احوالی که استرداد اموال فرهنگی در آن مطرح می‌باشد، عبارتند از: قاچاق، سرقت یا خروج غیر مجاز، غارت (چپاول) در زمان جنگ، تجارت یا تصاحب توسط دلالان در زمان استعمار یا اشغال. بازگرداندن اموال به مالک اصلی تحت عناوین استرداد^۱، بازگرداندن^۲ و

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی

Email: halehhosseini555@yahoo.com

1. restitution
2. return

عودت^۳ مطرح است. اگرچه در متون تمایز آشکاری میان این عبارات دیده نمی‌شود، اما واضح است که اشکال مختلفی از سلب مالکیت در قوانین وجود دارد که برخی توسط ابزار حقوق خصوصی و برخی توسط حقوق عمومی پوشش داده شده‌اند. البته در برخی شرایط هیچ ابزار قانونی برای استرداد وجود ندارد، چه به دلیل گذشت زمان یا به دلیل اینکه اقدام غیرقانونی ارتکاب نیافته است. همچنین ممکن است خارج از قلمروی دولت محدودیت‌هایی برای حمایت از اموال مدنظر وجود داشته باشد، از جمله در جایی که کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود، غیرقابل اجرا می‌گردند به طور مثال می‌توان به دعوایی که از سوی نیجریا در دادگاه‌های فرانسه مطرح گردید اشاره نمود که مبتنی بر کنوانسیون یونسکو در مورد شیوه‌های ممنوعیت و پیشگیری ورود، خروج و انتقال مالکیت اموال فرهنگی^۴ مطرح گردید که در سال ۱۹۹۷ توسط فرانسه به تصویب رسیده بود، اما توسط محاکم فرانسه با این استناد رد شد که به دلیل عدم تصویب قوانین داخلی به طور مستقیم، کنوانسیون مزبور قابل اجرا نمی‌باشد.^۵ صرفنظر از تفاوت‌هایی که در شیوه استرداد اموال فرهنگی وجود دارد، تحقیقات نشان می‌دهد که در انواع مختلف آن برخی ویژگی‌های مشترک وجود دارد. کمیته میان دولتی ارتقای بازگرداندن اموال فرهنگی به کشورهای اصلی آنها در صورت تصاحب غیرقانونی^۶، که در سال ۱۹۷۸ توسط یونسکو تشکیل گردید، به دنبال شیوه‌ها و ابزاری است که مذاکرات دو جانبه را برای استرداد یا بازگرداندن اموال فرهنگی به کشورهای اصلی آنها تسهیل نماید.^۷ بنابراین، قلمروی آنها بسیار گسترده است و حتی جابه‌جایی در زمان استعمار را نیز در بر می‌گیرد.

نکته قابل تامل آن که، استرداد داوطلبانه (اختیاری) اموال فرهنگی اغلب در وضعیت‌هایی محقق می‌شود که ابزار قانونی برای متقاعد یا اجبار کردن یک طرف در استرداد وجود ندارد. همچنین شیوه‌های جایگزین حل تعارضات میان منافع در مالکیت اموال فرهنگی که با ابزار سنتی نظیر معاهدات دوجانبه یا چندجانبه ملازم است، در قالب‌های مختلفی مطرح می‌باشد که اهم آن عبارتند از تصمیمات یا موافقتنامه‌های یکجانبه که شامل اشکال مختلفی از سازش، میانجیگری و یا داوری می‌شود. اشکال مختلف این موافقتنامه‌ها در زمینه استرداد اموال فرهنگی مورد اقبال قرار گرفته است.^۸

3. repatriation

4. UNESCO Convention on the Means of Prohibition and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership Cultural Property of November 14, 1970.

5. The Federal Republic of Nigeria v. Alian de Montbrison, Paris Court of Appeal, Judgment of April 5, 2004, upheld by the Court of Cassation, Judgment of September 20, 2006.

6. The Intergovernmental Committee for Promoting the Return of Cultural Property to Its Countries of Origin or Its Restitution in Case of Unlawful Appropriation, established by UNESCO in 1978.

۷. البته کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز در زمینه حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه، توصیه‌ها

و راهکارهایی ارائه نموده است که حائز اهمیت می‌باشد. برای اطلاعات بیشتر، نک:

International Committee of the Red Cross, *Report on the Meeting of Experts: Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict*, 2002, pp. 57-61, 171-175.

8. Marie Cornu and Marc-Andre Renold, "New Developments in the Restitution of Cultural Property: Alternative Means of Dispute Resolution", *International Journal of Property* (2010), Vol. 17, p. 1.

در واقع در چند دهه اخیر شاهد بروز شیوه‌های متنوعی بوده‌ایم که ضمن آن دولت‌ها یا دیگر مراجع ذیربط و حتی اشخاص خصوصی در جهت استرداد اموال فرهنگی و یا حل اختلافات مربوط به آن اقدام نموده‌اند و این امر ناشی از انعطاف‌پذیری نظام حقوق بین‌الملل در حوزه‌هایی است که رضایت و اراده دولت‌ها در چارچوب نظم عمومی بین‌المللی می‌تواند نقش آفرینی کند.

اصولاً حمایت از اموال فرهنگی وقتی مؤثر خواهد بود که در سطح ملی و بین‌المللی تنظیم شود و مستلزم همکاری نزدیک بین دولت‌ها می‌باشد و با توجه به این که ورود و صدور و انتقال مالکیت غیرقانونی اموال فرهنگی و در شرایطی استرداد آنها مانع تفاهم ملت‌ها می‌گردد اهمیت نقش و جایگاه یونسکو بیش از پیش محرز می‌شود، به این ترتیب یونسکو طی چند دهه تلاش کرده است در جهت تسهیل استرداد و حل اختلافات مرتبط با آن اقدامات مؤثری انجام دهد.^۹

پس از تشکیل کمیته میان‌دولتی ارتقای بازگرداندن اموال فرهنگی به کشورهای اصلی آنها در صورت تصاحب غیرقانونی، توسط کنفرانس عمومی یونسکو در پاریس در سال ۱۹۷۸، این کمیته به سرعت در جهت یافتن راهکارهایی برای قضایای مرتبط با استرداد یا بازگرداندن اموال فرهنگی اقدام نمود.^{۱۰} اخیراً پیشنهاد شده که ارجاع کمیته به میانجیگری یا سازش به دولت‌های عضو باید گسترش یابد.^{۱۱}

سازمان‌های دیگری نیز مانند شورای بین‌المللی موزه‌ها^{۱۲} و انجمن حقوق بین‌الملل^{۱۳} در مسائل بازگرداندن یا استرداد اموال فرهنگی پیشنهادهایی ارائه نموده‌اند. همچنین اقدامات ملل متحد خصوصاً اعلامیه حقوق مردم بومی^{۱۴} در این زمینه قابل ذکر می‌باشد. به این ترتیب، شیوه‌ها و ابزارهای جدیدی برای استرداد اموال فرهنگی مطرح گردیده است و این تحولات بر پویایی دعاوی و اهلیت شاکیان تأثیر بسزایی داشته است.^{۱۵}

۹. تبادل اموال فرهنگی میان ملت‌ها، برای مقاصد علمی فرهنگی و تربیتی، آگاهی نسبت به تمدن بشری را عمیق‌تر می‌کند و زندگی فرهنگی همه مردمان را غنی می‌سازد و احترام و ارج‌گذاری متقابل را بین همه ملت‌ها به وجود می‌آورد. همچنین اموال فرهنگی یکی از عناصر اساسی تمدن و فرهنگ ملت‌ها هستند و هنگامی که ارزش واقعی خود را کسب می‌کنند که منشا تاریخ و محیط آن‌ها با دقت هرچه تمام تر شناخته شود. برای اجتناب از خطرات ناشی از سرقت، کاوش‌های پنهانی و صدور غیرقانونی، ضرورت دارد که هر دولت نسبت به الزام‌های اخلاقی مربوط به احترام به میراث فرهنگی خود و کلیه ملت‌ها و قوف بیشتری داشته باشد. نک: مجتبی نقدی نژاد و اصغر نارویی، حقوق تطبیقی جرایم علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۰، صص ۱۶۱-۱۶۰.

10. See the UNESCO website: <http://unesdoc.unesco.org/images/001394/139407eb.pdf>.

۱۱. در اجلاس سی‌ام یونسکو در مورد راهبرد تسهیل استرداد اموال فرهنگی به سرقت رفته یا به طور غیرقانونی

خارج شده بحث‌هایی صورت گرفت. نک:

Thirteen Session, UNESCO, Paris, February 7-10, 2005, CLT-2005/ Conf.202/4

12. The International Council of Museum (ICOM)

13. The International Law Association (ILA)

14. The Declaration on the Rights of Indigenous People

15. Cornuand Renold, *op. cit.*, p. 2.

گفتار اول:

اهلیت شاکیان در دعاوی استرداد اموال فرهنگی

استرداد اموال فرهنگی اغلب از امور مرتبط با دولت و اختلافات در مورد آن نیز میان دولت‌ها بوده است که هر یک حاکمیت و مالکیت خود را بر اموال مزبور ادعا نموده‌اند. با این حال از اوایل دهه ۱۹۹۰ شاهد ظهور بازیگران جدیدی در این قبیل دعاوی بوده‌ایم، به این ترتیب دولت‌ها دیگر به عنوان یگانه مدعی در رابطه با اموال فرهنگی مطرح نمی‌باشند. حال، مسأله قابل تامل آن است که آیا این بازیگران جدید می‌توانند با استناد به منافع خود، در مورد این اموال شکایاتی را اقامه نمایند. در مورد این بازیگران جدید در دعاوی استرداد، علاوه بر دولت‌ها می‌توان به دیگر اشخاص حقوق عمومی و خصوصی، مقامات سرزمینی یا منطقه‌ای و حتی موزه‌ها اشاره نمود. علاوه بر موارد مذکور، جوامع بومی نیز در سال‌های اخیر بر مبنای منفعت جمعی خود در میراث فرهنگی، خواستار استرداد برخی اموال گردیده‌اند.

الف) موزه‌ها و دیگر اشخاص حقوقی و حقیقی

اکنون شاهد آن هستیم که دعاوی متعددی توسط مراجعی غیر از دولت‌ها مطرح گردیده‌اند.^{۱۶} به طور مثال، موزه‌ها در بسیاری از موارد استرداد اموال فرهنگی نقش فعالی ایفا نموده‌اند و قوانینی نیز وجود دارد که این اقدام موزه‌ها را ساماندهی می‌کند.^{۱۷} همچنین برخی سازمان‌های حرفه‌ای نیز مقررات اخلاقی در این موضوع تصویب نموده‌اند.^{۱۸} نمونه‌های جدیدی از استرداد اموال فرهنگی توسط موزه‌ها انجام گرفته و شامل موافقتنامه‌های استرداد می‌شود که میان موزه‌های مختلفی در ایالات متحده آمریکا و ایتالیا در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ منعقد گردید.^{۱۹} همچنین همواره دولت به مفهوم دولت - کشور، ادعای میراث فرهنگی را نداشته، بلکه در سال‌های اخیر میان بخش‌های مختلف یک دولت از جمله ایالات یا بخش‌های مختلف نیز شاهد طرح چنین دعاوی بوده‌ایم. به طور مثال، در سال ۲۰۰۶ میان دو کانتون در کشور سوئیس موافقتنامه‌ای منعقد گردید که به موجب آن اهمیت نسخ خطی برای هویت فرهنگی یک کانتون با رسمیت شناخته شد.^{۲۰}

استرداد داوطلبانه اموال فرهنگی از سوی اشخاص خصوصی، دلالت آثار هنری و کلکسیونرها نیز در صورت تصاحب اموال مسروقه از مجموعه‌های عمومی نیز قابل تحقق است. به طور مثال یکی از میراث مذهبی که از کلیسایی در فرانسه به سرقت رفته بود، بعدها توسط یک دلال حرفه‌ای

16. See: Lucille Roussin, "Museum" in: Sherry Hutt, (ed.), *Yearbook of Cultural Property Law*, Walnut Creek, CA (Left Coast Press), California, 2007, pp. 87-97.

17. See the ICOM Code of Ethics for Museum at: www.icom.org

۱۸. به طور خاص می‌توان از انجمن امریکایی موزه‌ها نام برد.

19. See for example the agreement between the Metropolitan Museum of Art of New York and Italy, 21 February 2006.

20. Agreement dated 27 April 2007 between the Canton of Saint-Gall and the Canton of Zurich, with the Swiss Confederation as mediator.

اموال عتیقه بازگردانده شد. همچنین در کشور ترکیه نیز یکی از اموال فرهنگی به سرقت رفته توسط کلکسیونری به این کشور بازگردانده شد.

اکنون برخی کشورها مذاکراتی را در مورد انعقاد موافقتنامه‌ای برای وارد کردن و بازگرداندن اموال فرهنگی انجام داده‌اند که در زمره اقداماتی محسوب می‌شود که برای مبارزه با قاچاق انجام گرفته و چنین اقداماتی (استرداد داوطلبانه اموال فرهنگی توسط اشخاص خصوصی) در جایی که تعهد الزام آوری وجود ندارد، با این حال همیشه چنین اتفاقی نمی‌افتد.

ب) مردم بومی

حقوق مردم بومی سالیان دراز در حقوق بین‌الملل مغفول مانده بود، تا اینکه در سال ۱۹۵۷ کنوانسیون شماره ۱۰۷ سازمان بین‌المللی کار^{۲۱} به آن پرداخت که در سال ۱۹۸۹ نیز در ضمن کنوانسیون شماره ۱۶۹^{۲۲} اصلاح گردید. در این دو کنوانسیون، بر عدم تبعیض و حقوق ناظر بر تعیین سرنوشت تمرکز شده است. البته در مورد فرهنگ نیز خصوصا در کنوانسیون دوم ملاحظاتی وجود دارد. در حال حاضر مجموع حقوق فرهنگی و حقوق مالکیت معنوی مردم بومی در قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷ مورد تصریح قرار گرفته است. همچنین دولت‌های متعددی نیز مردم بومی را به عنوان موضوع حقوق پذیرفته و قوانینی تصویب کرده‌اند که حقوق جوامع بومی را به رسمیت می‌شناسد.

با توجه به مجموعه متون مذکور مردم بومی در مورد میراث فرهنگی متعلق به خود دارای حقوقی هستند، اما مسأله مطرح ماهیت و چگونگی اعمال این حقوق است و اینکه کدام اموال فرهنگی مشمول حمایت‌های مزبور قرار دارند. مطابق اعلامیه ملل متحد، مردم بومی قادر هستند که کاربرد اموال فرهنگی را کنترل کنند و سنت‌ها، آداب و رسوم و مراسم مذهبی و آیینی خود را انجام و آموزش دهند که این امر به طور ضمنی دسترسی به اموال و موضوعاتی را در بر می‌گیرد، که چنین رویه‌هایی را پشتیبانی می‌کند.^{۲۳}

21. The Indigenous and Tribal Population Convention (ILO Convention NO. 107).

22. The Indigenous and Tribal People Convention (ILO Convention NO. 169).

۲۳. حمایت از اموال فرهنگی متعلق به گروه‌های اقلیت از جمله موضوعاتی می‌باشد که پس از وقایع دهه ۱۹۹۰ و تأسیس دادگاه‌های کیفری ویژه خصوصا در مورد یوگسلاوی سابق، مورد توجه برخی حقوقدانان قرار گرفت. اساسنامه دادگاه کیفری ویژه برای یوگسلاوی سابق به طور مستقیم مسأله استرداد اموال فرهنگی مسروقه یا اموالی که به طور غیرقانونی خارج شده‌اند، را مورد توجه قرار نمی‌دهد. با وجود این، اگر اصطلاح «اموال» به طور موسع تفسیر شود، آنگاه می‌توان مقررات دیگر را در خصوص استرداد اموال فرهنگی نیز اعمال کرد. چنین حمایتی از اموال فرهنگی را به عنوان حمایت پسینی نامیده‌اند که از مجازات مقرر در اساسنامه فراتر می‌رود و هدف آن عبارت است از استرداد اموال. بند ۳ ماده ۲۴ اساسنامه مقرر می‌کند: «شعب رسیدگی کننده می‌توانند افزون بر حبس، به بازگرداندن هرگونه مال و منافع حاصل از عمل مجرمانه ... به صاحبان واقعی آنها حکم دهند.» بند مذکور که به وسیله مواد ۹۸ و ۱۰۵ آیین دادرسی دادگاه تکمیل می‌شود، بازگرداندن اموال را به صاحبان واقعی آنها پیش بینی می‌کند. با این حال، در

به این ترتیب، مطابق اعلامیه یک مکانیزم مبنایی در ایجاد حق استفاده و بهره‌مندی از اموال فرهنگی وجود دارد، اما مطابق آن استرداد، الزام‌آور نمی‌باشد. با این وجود ماده ۱۱ اعلامیه، دولت‌های عضو را ملزم می‌کند که از طریق مکانیزم‌های مؤثر که شامل استرداد، توسعه ارتباط با مردم بومی و احترام به اموال فرهنگی و مذهبی آنها می‌شود، جبران خسارت نمایند، چه سلب مالکیت قانونی بوده باشد یا قانونی نباشد.^{۲۴} در واقع حق بازگرداندن اموال فرهنگی برای مردم بومی شناسایی و تعهداتی بر این اساس بر دولت‌ها تحمیل شده است. البته در مورد قدرت الزام‌آور بودن این سند به عنوان یک اعلامیه، بحث‌های زیادی وجود دارد و برخی تعهد استرداد اموال فرهنگی را با استناد به حقوق جمعی فرهنگی، به منزله یک تعهد اخلاقی پنداشته‌اند. با این وجود در نگاه کلی و علی‌رغم وجود برخی محدودیت‌ها، دعاوی میراث فرهنگی آشکارا از طریق حمایت از حقوق مبنایی گسترش یافته است و اگر در گذشته بر حفظ اموال و اماکن تأکید بیشتر می‌شد، امروز تمرکز اصلی بر حقوق افراد و جوامع در چنین مسائلی است.^{۲۵}

گفتار دوم:

ماهیت اموال فرهنگی مورد ادعا

در مورد ماهیت اموال فرهنگی و مصادیق آن در سال‌های اخیر در جریان اختلافات مرتبط با این اموال شاهد بروز تحولات شکلی و ماهوی بوده‌ایم. امروز تحلیل حقوقدانان در وهله نخست مبتنی بر این است که اموال فرهنگی بخشی از میراث فرهنگی دولت را تشکیل می‌دهد، اعم از اینکه در دسترس عموم قرار داشته باشد یا خیر. با این مبنا، اغلب دعاوی ناظر به مواردی است که این اموال از کشوری که به آن تعلق دارند، منتقل شوند. در واقع دعاوی مربوط به اموالی است که برای میراث فرهنگی و ارزش‌های مذهبی مردم یک کشور دارای اهمیت اساسی می‌باشد و در نتیجه استعمار یا اشغال خارجی یا تصاحب غیر قانونی به سرقت رفته است. حال اگر در ضمن مفهوم جهانی از میراث فرهنگی یا ضرورت حمایت از میراث مشترک بشریت، منافع مختلف و بر همین

این رابطه برخی پیچیدگی‌هایی وجود دارد که مسأله را قدری دشوار می‌کند: از جمله اینکه صاحب واقعی اموال فرهنگی دولتی است که اموال مزبور از آن به سرقت رفته‌اند و یا مردم محلی؟ به علاوه، در خصوص افراد متعلق به یک اکثریت قومی دولتی که اموال فرهنگی را از اقلیتی به سرقت برده که دیگر در آن دولت زندگی نمی‌کنند زیرا از نظر قومی پاکسازی شده است، وضعیت چگونه می‌باشد؟ در این صورت چه نهادی می‌تواند به طور مؤثر نماینده اقلیت پاکسازی شده باشد و به عبارت دیگر، استرداد اموال باید متوجه چه کسی باشد؟ نک: هییت‌الله نژندی‌منش و زهرا الیاسی قهفرخی، *حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه*، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹، صص ۱۸۴-۱۸۳.

۲۴. برای اطلاع بیشتر در مورد حقوق مردم بومی، نک: جانوس سیمونیدس، *حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها*،

ترجمه محمدعلی شیرخانی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳، صص ۱۶۶-۱۶۵.

25. Cornuand Renold, *op. cit.*, pp. 4-7.

اساس دعوای متعددی مطرح گردد مسأله قدری پیچیده خواهد شد.^{۲۶} ماده یک کنوانسیون ۱۹۵۴ در مورد حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، اموال فرهنگی را به طور کامل بر می‌شمارد: اموال منقول (کتاب‌های خطی، کلکسیونها و غیره) و اموال غیرمنقولی که فی نفسه دارای یک نفع فرهنگی هستند و یا اموالی که در آنها، اشیاء تحت حمایت نگهداری می‌شوند (موزه‌ها، کتابخانه‌ها و گنجینه‌های اسناد و مدارک). همچنین برخی مجموعه‌های غیرمنقول از قبیل آثار تاریخی یا هنری هستند و نیز مراکز یادبودی که در آنها تعداد قابل توجهی اموال فرهنگی وجود دارد. به علاوه، مفهوم اموال فرهنگی به اموالی که دارای یک نفع هنری یا تاریخی و نیز اموالی که دارای جنبه علمی یا مذهبی نیز هستند تسری پیدا می‌کند. به این ترتیب کلیه بناهای تاریخی، آثار هنری، اماکن هنری، اماکن فرهنگی و مذهبی به عنوان اموال فرهنگی محسوب شده و در زمره میراث فرهنگی یا معنوی هستند.^{۲۷}

نکته قابل تأمل دیگر در مورد اموال فرهنگی، چگونگی تصاحب این اموال است که در مواردی قانونی و گاهی غیرقانونی می‌باشد و موارد غیرقانونی شامل قاچاق اموال، ورود غیرقانونی یا سرقت است. در سال‌های اخیر مواردی بوده است که دولت‌ها علی‌رغم تصاحب غیرقانونی اموال دارای ارزش زیاد برای مردم یک کشور، به طور داوطلبانه نسبت به استرداد آنها اقدام نموده‌اند. با این حال به نظر می‌رسد مسأله قانونی یا غیرقانونی بودن انتقال اموال، یک موضوع فرعی یا ثانوی است و این عامل تا حدودی بر تمایل طرف مقابل در استرداد اموال تأثیر دارد. همچنین عدم اثبات اینکه اقدام تصاحب اموال مذکور غیرقانونی بوده است هیچ تأثیری در تعهد به استرداد ندارد و طرف متعهد نمی‌تواند با استناد به قانونی بودن اقدام خود از استرداد اموال استنکاف ورزد.^{۲۸} این رویکرد، در اعلامیه ملل متحد در مورد حقوق مردم بومی نیز انعکاس یافته است که حق بازگرداندن اموال فرهنگی، مذهبی و معنوی این مردم به رسمیت شناخته شده است اعم از اینکه اموال مزبور با رضایت و چه بدون رضایت آنها تصاحب شده باشد.

گفتار سوم:

شیوه‌های کاربردی استرداد و جایگزین آن

شیوه‌های سنتی روابط میان دولت‌ها هنوز برای استرداد اموال فرهنگی کاربرد دارد. از نظر تاریخی در پایان مخاصمات مسلحانه ضمن معاهدات صلح، استرداد اموال فرهنگی و الزاماتی برای آن

۲۶. برخی از موزه‌های مهم، با دفاع از ایده موزه جهانی در مواجهه با تحولات معاصر در استرداد اموال فرهنگی اعلامیه‌ای به تصویب رسانده‌اند. رک:

Declaration on the Importance and Value of Universal Museums, 8 December 2002

۲۷. محمدرضا ضیائی بیگلری، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۴.

28. See Cornuand Renold, *op. cit.*, pp. 14-17.

مطرح می‌گردید^{۲۹}. یک مثال آن، موافقتنامه‌ای است که میان فرانسه و آلمان برای انتقال اشیاء و اسناد و تشکیل موزه متفقین در برلین منعقد گردید. نمونه جدیدتر آن، موافقتنامه‌ای است که میان ایتالیا و لیبی برای استرداد اموال منتقل شده در دوران استعمار به تصویب رسید. شیوه‌های دیگری که معمولاً برای استرداد اموال فرهنگی کاربرد دارد، عبارت است از: استرداد یکجانبه که مبتنی بر قوانین یا مقررات اجرایی می‌باشد یا استرداد دوجانبه که از طریق مذاکره با واسطه (میانجی) یا بدون واسطه و یا از طریق ارجاع به داوری می‌باشد.

در چند دهه اخیر، شاهد راهکارهای متنوع استرداد بوده‌ایم و در این رابطه دولت‌ها قوانین مختلفی تصویب نموده‌اند.^{۳۰} موافقتنامه‌های مورد مذاکره در برخی موارد راه حل‌های پیچیده‌ای را پیشنهاد می‌دهند و اغلب گرایشی به این سمت وجود دارد که میان مالکیت و تصاحب (تصرف) تفکیک قائل شوند. اگرچه برخی راهکارها بر استرداد یا ترتیباتی مبتنی بر آن تمرکز دارد، اما راهکارهای دیگر، ناظر بر موارد جایگزین استرداد می‌باشد. راهکارهای تلفیقی نیز در حال ظهور و بروز است. به علاوه، راهکارهای مختلفی ممکن است در یک قضیه خاص مطرح گردد. به طور مثال در قضیه اختلاف میان دو کانتون از کشور سوئیس در مورد نسخ خطی باستانی، استرداد، شناسایی اهمیت فرهنگی اموال مسترد نشده، امانت بلندمدت، اهداء و تولید یک نسخه کپی از اموال مطرح، هریک به عنوان بخشی از شیوه حل و فصل اختلاف محسوب گردیدند. در اینجا به برخی از راهکارهای ممکن در مورد حل اختلافات ناشی از اموال فرهنگی اشاره می‌شود.

الف) استرداد (ساده)

استرداد اموال به عنوان آسان‌ترین راه حل اختلاف در مورد اموال فرهنگی است، خصوصاً در جایی که یک ادعای مالکیت مطرح می‌باشد و یا بازگرداندن اموال، در صورتی که با خروج غیرقانونی اموال مزبور مواجه هستیم. البته گاهی در استرداد اموال ملاحظاتی از قبیل پرداخت هزینه‌های انتقال و تعمیر اموال نیز وجود دارد. یک نمونه آن بازگرداندن "Aksum Obelisk" به اتیوپی توسط ایتالیا است که با پرداخت هزینه‌های مزبور انجام گرفت.^{۳۱}

ب) استرداد مشروط

گاهی استرداد موضوع شرایطی قرار می‌گیرد که متضمن تعهداتی می‌باشد. یک مثال در این زمینه، بقایای اجساد انسانی بود که در پی میانجیگری در سال ۲۰۰۷ توسط موزه تاریخ طبیعی بریتانیا به

۲۹. برای اطلاعات بیشتر، نک: ضیائی بیگدلی، پیشین، صص ۱۳۷-۱۳۴.

۳۰. از جمله می‌توان به قوانین کشورهای ایتالیا، یونان و مصر اشاره نمود. برای اطلاعات بیشتر، نک: کیوان غنی‌کلهو (مترجم)، میراث فرهنگی در نظام قانونگذاری کشورهای باستانی (ایران، ایتالیا، ترکیه، سوریه، مصر و یونان)، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰، صص ۱۸۴-۱۶۹، ۶۰-۵۸.

یک گروه بومی در تاسمانی مسترد گردید، با این شرط که برخی اجزا برای الگوهای DNA جهت کاربرد علمی در آینده باقی بماند که البته مستلزم رضایت گروه بومی مزبور بود.^{۳۲}

ج) استرداد در ضمن همکاری‌های فرهنگی

امروزه استرداد می‌تواند در چارچوب گسترده‌تری از همکاری میان طرفین درگیر، مطرح باشد. به طور نمونه می‌توان به موافقتنامه میان موزه هنر در نیویورک و دولت ایتالیا در ۲۱ فوریه ۲۰۰۶ اشاره نمود که مطابق آن مقامات ایتالیا متعهد به استرداد اموال فرهنگی مورد نظر (Enphronios Krater) گردیدند. مطابق این موافقتنامه مقامات ایتالیایی به جای استرداد، متعهد شدند از ۱۵ ژوئیه ۲۰۰۸ منافع فرهنگی برخی اموال فرهنگی با زیبایی و اهمیت تاریخی و فرهنگی مشابه را در اختیار موزه قرار دهند.^{۳۳} موافقتنامه مشتمل بر فهرستی از ۱۲ مورد خاص از اموال فرهنگی بود که به امانت داده شده بودند. به علاوه، موزه متعهد به استرداد برخی اموال دیگر شد و مقامات ایتالیایی نیز بنا گردید که اموال دیگری را به امانت بسپارند. این موافقتنامه بلندمدت و تا ۴۰ سال قابل اجرا می‌باشد. نکته قابل تأمل آن است که این موافقتنامه‌ها هیچ اشاره‌ای به قانون قابل اعمال نکرده‌اند. این بدان معناست که طرفین صریحا قانون حاکم بر روابط فرهنگی خود را تعیین ننموده‌اند و به این ترتیب قانون مزبور از طریق تفسیر تعیین خواهد شد. همچنین موافقتنامه‌های مزبور نسبتاً موافقتنامه‌های بین‌المللی پیچیده‌ای محسوب می‌شوند و فقدان قید مزبور در آنها ممکن است غیرعادی به نظر برسد. چنانچه دعاوی دولت ایتالیا مبتنی بر قوانین عمومی آن است و به سختی می‌توان پذیرفت که این دولت با اعمال قوانین دیگر نسبت به دعاوی خود موافق باشد. موزه‌های ایالات متحده امریکا نیز به ندرت موافقتنامه‌هایی منعقد نموده که قانون حاکم بر آن، قانون این کشور نمی‌باشد. بنابراین، نتیجه‌گیری و تعیین قانون حاکم در این خصوص قدری دشوار است و به نظر می‌رسد سکوت این موافقتنامه‌ها، عمدی است. البته از آنجایی که ممکن است در اجرای موافقتنامه‌های مزبور، اختلافاتی به وجود آید، همه آنها شعبه بین‌المللی داوری بازرگانی^{۳۴} در پاریس را با ۳ داور به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات، پیش‌بینی نموده‌اند. این مقرر نیز حائز اهمیت می‌باشد و علی‌رغم فقدان ارتباط مستقیم میان این موافقتنامه‌ها و تجارت بین‌الملل، اختلافات به یک مرکز تخصصی حل و فصل اختلافات بازرگانی و تجاری ارجاع داده شده‌اند.

یک نمونه دیگر، موافقتنامه‌ای است که میان ایتالیا و موزه بوستون در سال ۲۰۰۶ نیز منعقد گردید.^{۳۵} به علاوه، جالب توجه است که طرفین این موافقتنامه‌ها، خواهان این بوده‌اند که موافقتنامه آنها توسط دبیرخانه یونسکو ثبت شود، اما یونسکو این درخواست آنها را رد نمود که به

32. See M. Bailey, "Natural History Museum Returns Aboriginal Remains", *The Art Newspaper*, London No. 181, June 1, 2007, Vol. 8(1), p.1.

33. Agreement between Metropolitan Museum of Art in New York and Italian authorities to hand back the famous Euphronios Krater.

34. International Chamber of Commerce arbitration

35. Cornuand Renold, *op. cit.*, p. 20.

نظر برخی حقوقدانان این امتناع، تاسف‌آور و غیرقابل درک است. چرا که به ندرت موافقتنامه‌هایی منعقد می‌گردد که طرفین آنها فقط دولت‌ها نباشند و ثبت چنین موافقتنامه‌هایی برای جامعه بین‌المللی مفید است تا اصول کلی آنها، صرفنظر از محتوای خاص هر یک، انتشار یابد.

د) شناسایی رسمی اهمیت هویت فرهنگی

در مواردی که استرداد ساده یا مشروط محقق نمی‌شود، برخی مواقع موافقتنامه‌های حاصل از مذاکره، میانجیگری یا داوری، شناسایی و اعلام اهمیت اموال مطرح را برای هویت فرهنگی یکی از طرفین مقرر می‌کنند. چنانچه کنفدراسیون سوئیس در مورد اختلاف میان دو کانتون ساین-گال و زوریخ در مورد نسخ خطی علی‌رغم عدم استرداد، زوریخ را متعهد نمود صریحا ارزش زیاد برخی اموال مزبور را برای هویت کانتونساین-گال به رسمیت بشناسد.^{۳۶}

ه) امانت (بلندمدت، موقتی و دیگر موارد)

امانت‌های بلندمدت در مورد اموال فرهنگی یک گزینه رایج است. هنگامی که استرداد ساده یا مشروط انجام نمی‌شود، در بسیاری موارد، طرفین با امانت اموال نزد طرفی که استرداد از آن مطالبه شده است، موافقت می‌کنند. البته گاهی نیز اموال به طرفی که مالک اموال مزبور است، برای مدتی امانت داده می‌شود. برای مثال، می‌توان به موافقتنامه سال ۲۰۰۲ میان فرانسه و نیجریا اشاره کرد که ضمن شناسایی مالکیت نیجریا بر اموال فرهنگی مدنظر، این اموال به مدت ۲۵ سال در موزه برانلی به امانت سپرده شد. این امانت نزد فرانسه شکلی از جبران حسن نیت این کشور تفسیر شده است.^{۳۷} مثال دیگر، در میانجیگری کنفدراسیون سوئیس در اختلافات میان کانتون‌های زوریخ و ساین-گال قابل اشاره است که مالکیت زوریخ شناسایی شد اما نسخ خطی برای مدت نامحدودی به ساین-گال امانت داده شد. در سال‌های اخیر، حتی در مواردی که استرداد ساده امکان دارد ولی به دلایل فنی انجام نمی‌گیرد نیز اموال فرهنگی به امانت سپرده می‌شود. به طور نمونه، هیات مشاوره‌ای در انگلستان توصیه کرد که اموال فرهنگی مسترد شود اما استرداد اموال فرهنگی توسط موزه ملی مزبور، مستلزم اصلاح قانون و پروسه‌ای بلندمدت بود.

با این حال در مورد این امانات بحث‌های زیادی وجود دارد و خصوصا دولت‌های مالک اموال فرهنگی به دنبال تضمیناتی جهت استرداد اموال هستند تا در چنین وضعیتی قرار نگیرند.^{۳۸}

و) اهداء

استرداد ممکن است شکلی از اهداء یا هبه را خصوصا پس از گذشت مدت زمان زیاد داشته باشد. به طور نمونه می‌توان به قرارداد امانت میان کشور فرانسه و موزه «هنر و تاریخ» شهر ژنو در سال

36. *Ibid.*

37. See the press release by the French Ministry of Cultural of February 13, 2002.

38. Cornuand Renold, *op. cit.*, p. 20.

۱۹۹۷ اشاره نمود^{۳۹} که این امانت سرانجام به اهداء از سوی شهر ژنو منتهی گردید. اهداء از جانب مالک اصلی اموال نیز قابل تصور است، چنانچه در قضیه اختلاف میان دو کانتون ساین-گال و زوریخ در مورد نسخ خطی باستانی، زوریخ متعهد به اهدای یک نسخه خطی به ساین-گال شد که در فهرست ادعایی قرار نداشت. یک مثال دیگر، اهدای چشم مجسمه Amenhotep III بود که در اکتبر ۲۰۰۸ اهدا گردید. این چشم، ابتدا توسط یک کلکسیونر به موزه‌ای در باسل اهداء شده بود و در همان زمان توسط موزه به دولت مصر اهداء گردید. به این طریق، چشم به دیگر اجزای مجسمه ملحق گردید. با این وجود اهداء همواره راهکار مطلوبی برای طرفین اختلاف قلمداد نمی‌شود، چرا که به نوعی متضمن آن است که طرف اهداء کننده مالک اصلی می‌باشد که این امر اغلب به راحتی توسط طرف دیگر تأیید نمی‌شود.^{۴۰}

ز) ایجاد نظام‌های خاص مالکیت (مالکیت اشتراکی، تراست و غیره)

گاهی در ضمن مذاکراتی که در مورد اموال فرهنگی انجام می‌گیرد، طرفین توافقاتی را در مورد نحوه مالکیت بر اموال مزبور انجام می‌دهند. یک نمونه آن عبارت است از اموال فرهنگی افغانستان که سال‌ها در سوئد نگهداری می‌شد، با این قصد که از این اموال حفاظت و در فرصت مناسب به کشور اصلی مسترد شود. این شکلی از تراست بود که با تصمیم یونسکو مبنی بر لزوم بازگرداندن اموال خاتمه یافت.

از جمله راهکارهای اساسی که در این زمینه پیشنهاد شده مبتنی بر تراست آنگلو-آمریکایی و یا وقف^{۴۱} در حقوق اسلامی است.^{۴۲}

ح) ساخت بدل یا کپی

ساخت بدل یا کپی به نظر نمی‌رسد که هم‌تراز با استرداد باشد. با این حال، تکنیکی است که می‌تواند به عنوان یک عامل در حل دعوی استرداد به کار آید و بخشی از ترتیباتی را شکل می‌دهد که گاهی بسیار پیچیده هستند. این راهکار، علی‌رغم اینکه به نظر می‌رسد راهکار جالبی است، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته ساخت بدل یا کپی از اموال فرهنگی نیازمند مهارت خاص می‌باشد. در این خصوص می‌توان به مواردی اشاره کرد که طرفین توافق می‌کنند اصل اموال فرهنگی نزدیک طرف نگهداری شود و همان طرف، هزینه ساخت بدل را برای طرف مقابل برعهده می‌گیرد. چنانچه در مورد قضیه اختلاف دو کانتون در سوئیس چنین توافقی حاصل شد و

39. Loan Contract of 1 July 1997, between the Museum of Art and History of the City of Geneva and the French state.

40. Cornuand Renold, *op. cit.*, p. 21.

۴۱. برای اطلاع بیشتر در مورد نهاد حقوقی وقف، نک: مواد ۹۱-۵۵ قانون مدنی؛ سیدحسن امامی، *حقوق مدنی*، ج

۱، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷، صص ۹۳-۷۳.

42. Cornuand Renold, *op. cit.*, pp. 21-22.

زوربخ ضمن نگهداری اصل مال، متعهد به پرداخت هزینه ساخت بدل آن گردید.^{۴۳}

ط) انصراف از دعوای استرداد در عوض غرامت مالی

این وضعیت خیلی رایج است، خصوصاً وقتی که شاکی تشخیص می‌دهد که استرداد اموال فرهنگی دشوار است و دریافت غرامت مالی بیشتر به نفع می‌باشد. اختلافات بسیاری از این طریق خاتمه یافته است.^{۴۴}

ی) راهکارهای ممکن دیگر

کارشناسان ممکن است بنا بر شرایط و اوضاع و احوال قضیه، راهکارهای متعدد دیگری را به جای استرداد اموال فرهنگی توصیه کنند که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اول، در جایی که نه مالک و نه مدعی، منفعت خاصی در نگهداری اموال فرهنگی مورد بحث ندارند، ممکن است مالکیت آن را به طرف ثالثی مانند یک موزه انتقال دهند. دوم، دولت‌های مدعی تعلق اموال به میراث فرهنگی خود، اغلب تصمیم می‌گیرند که به راحتی آنها را خریداری نمایند تا اینکه بخواهند در رسیدگی‌های قضایی طولانی و پرهزینه درگیر شوند. سوم، مصر به طور خاص از سیاست یا روش «تهدید و ترغیب» استفاده می‌کند تا بتواند بر دولت‌هایی که خواهان کاوش‌های باستان‌شناسی در سرزمین آن هستند، اعمال فشار کند. به این ترتیب فقط به دولت‌هایی اجازه داده می‌شود که دعوای مصر را مورد تأیید قرار می‌دهند.^{۴۵}

نتیجه

امروزه با بررسی رویه بین‌المللی می‌توان دریافت که تحولات جدیدی در استرداد اموال فرهنگی به عنوان یکی از شیوه‌های حل و فصل اختلافات ناظر بر این اموال محقق گردیده است. بر همین اساس شاهد هستیم که شیوه‌های مختلفی نیز در ذیل استرداد اموال فرهنگی و یا به عنوان جایگزین آن، اتخاذ می‌شود که هر یک بنا بر شرایط و اوضاع و احوال هر قضیه از اهمیت بسزایی برخوردار است و این تنوع در شیوه‌ها حاکی از انعطاف‌پذیری قواعد و نرم‌های بین‌المللی در اجرا و لزوم یافتن چارچوب‌های مناسب برای هر کدام است. در این زمینه، به نظر می‌رسد رویه تا حدود زیادی از اصول اخلاقی الهام گرفته، چنانچه در قوانین مجموعه‌های عمومی و خصوصی نیز انعکاس یافته است. نکته قابل تامل در خصوص استرداد اموال فرهنگی و شیوه‌های جایگزین آن، مسأله وجود قواعد و نرم‌های عرفی است که به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود رویه نسبتاً غنی،

۴۳. البته در این موضوع در فاصله سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ مقالات متعددی در کشور سوئیس انتشار یافت.

۴۴. برای اطلاعات بیشتر، نک: یونس صمدی، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، اداره کل آموزش،

انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور، ۱۳۸۲، صص ۳۰۵-۳۰۳.

هنوز عنصر معنوی قاعده عرفی یعنی اعتقاد به الزام آور بودن در مورد آنها شکل نگرفته است. البته برخی حقوقدانان نیز معتقدند ما شاهد ظهور و بروز رویه‌ای هستیم که با نوعی اعتقاد به وجود تعهد الزام آور خصوصا در موارد وجود ملاحظات اخلاقی پیوسته است^{۴۶} و به این ترتیب پذیرش وجود قاعده عرفی در زمینه استرداد حداقل برخی از اموال فرهنگی چندان دشوار نمی‌باشد. با این وجود به نظر می‌رسد با تصویب موافقتنامه‌های دو جانبه و چندجانبه متعدد در مورد استرداد اموال فرهنگی و یا شیوه‌های جایگزین آن مانند امانت، اهداء، پرداخت غرامت، ساخت بدل اموال فرهنگی و یا ایجاد نظام‌های مالکیت خاص هنوز حقوق قراردادی منبع اصلی این زمینه از حقوق بین‌الملل است که با جلب توافق و رضایت دولت‌ها در صدد حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات بین‌المللی در مورد اموال فرهنگی و مطالبه استرداد آنها می‌باشد. در واقع اگرچه زمانی مسأله استرداد اموال فرهنگی اغلب پس از مخاصمات مسلحانه یا وضعیت اشغال و استعمار مطرح می‌گردید، اما امروز مناسبات دولت‌ها حاکی از آن است که این موضوع در زمره اختلافات بین دولت‌ها قرار دارد که در زمان صلح و به صورت مسالمت آمیز و از طریق انعقاد موافقتنامه، حل و فصل آن دنبال می‌شود که ماحصل این تلاش‌ها تأمین منافع کشورهایی است که مالک اصلی اموال مزبور هستند، چرا که این اموال نه به دولت که در واقع به تمامی افراد ملت تعلق دارد و جزئی از میراث فرهنگی آنها محسوب می‌شوند.

فهرست منابع

- نقدی نژاد، مجتبی و نارویی، اصغر، حقوق تطبیقی جرایم علیه میراث فرهنگی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی، انتشارات جاودانه، جنگل، ۱۳۹۰.
- نژندی منش، هیبت الله و الیاسی قهفرخی، زهرا، حمایت از اموال فرهنگی در مخاصمات مسلحانه، انتشارات خرسندی، ۱۳۸۹.
- سیمونیدس، جانوس، محمد علی شیرخانی (مترجم)، حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها، انتشارات دانشکد حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- ضیائی بیگدلی، محمد رضا، حقوق جنگ، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰.
- غنی کله‌لو، کیوان (ترجمه)، میراث فرهنگی در نظام قانونگذاری کشورهای باستانی (ایران، ایتالیا، ترکیه، سوریه، مصر و یونان)، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۰.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۷۷.
- صمدی، یونس، میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌المللی، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی کشور، ۱۳۸۲.

UNESCO Convention on the Means of Prohibition and Preventing the Illicit Import, Export and Transfer of Ownership Cultural Property of November 14, 1970.

International Committee of the Red Cross, Report on the Meeting of Experts: Protection of Cultural Property in the Event of Armed Conflict, 2002.

Cornu, Marie and Renold, Marc-Andre, "New Developments in the Restitution of Cultural

Property: Alternative Means of Dispute Resolution”, International Journal of Property (2010), vol.17.

the UNESCO web site: <http://unesdoc.unesco.org/images/001394/139407eb.pdf>

Thirteen Session, UNESCO, Paris, February 7-10, 2005, CLT-2005/ Conf.202/4

The Declaration on the Rights of Indigenous People

The Indigenous and Tribal Population Convention (ILO Convention NO. 107).

The Indigenous and Tribal People Convention (ILO Convention NO. 169).

Declaration on the Importance and Value of Universal Museums, 8 December 2002.

M. bailey, “Natural History Museum Returns Aboriginal Remains”, the Art Newspaper, London no. 181, June 1, 2007, vol.8(1).

Hutt, Sherry (ed), Year book of Cultural Property Law, Walnut Creek, CA (Left Coast Press), California, 2007.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Some Strategic Developments in Restitution of the Cultural Property in Contemporary International Law

Haleh Hosseini Akbarnezhad

Abstract:

In the modern international system, restitution of the cultural property and alternative methods of it are important measures to settlement international disputes on the transport or robbery of cultural properties. This article explains about the situations in which such methods might be preferred to the classical judicial means and to examine the problems that might arise. An important point to this respect is that the development of other fields of international law especially human rights and humanitarian law affects on this issue. The promotion of the roles of some legal personality such as museums is an other considerable factor. Also the consideration of non-legal factors and a sense of “moral obligation,” can help the parties find a path to consensus and protect the cultural properties well.

Keywords: Cultural property, Restitution, Conditional Restitution, Museum, Alternative Methods, Reparation, Loans, Donations, Cultural Cooperation



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. X, No. 2

2011-2

Articles

- The Differences between Mistake and Ignorance to the Subject-Matter of Contract
- Bankruptcy in Fault and Fraud: From Commercial Code to Islamic Penal Code
- Complicity in Unintentional Crimes
- Concept and Nature of Future Contracts
- Analysis The Theory of the Unification of Transnational Commercial Contracts Law
- Peace and Human Rights in Curriculum under the International Instruments

Special Issue: Cultural Heritage Law: Capacities and Challenges

- Unable Justice and Preservation of Cultural Heritage
- Islamic Penal Code of Iran on Crimes against Cultural Property: 566 bis Article
- Copyright Protection for Architectural Works
- Some Strategic Developments in Restitution of the Cultural Property in Contemporary International Law
- New Developments in Restitution of Cultural Property with a View to Restitution of Indigenous People's Cultural Property
- The Protection of Cultural Property in Times of Armed Conflicts: The Practice of the International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia
- "Functional" Concept Evolution of Cultural Property in a More Humanization of International Law
- Deficiencies in Legislations for Protection of Cultural Heritage
- Right on the Historical Name of the Persian Gulf from the Perspective of International Law
- Examining Various Mechanisms for International Disputes over Cultural Properties



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study